

# زمان مقدس آغازین

○ محمد میرشکرایی



کنند.

نوروز دارای خاستگاه سرزمینی است. جشن و آیینی است برخاسته از مجموعه شرایط طبیعی و بن‌مایه‌های اعتقادی مردمان فلات ایران که در پهنه جغرافیای فرهنگی ایران، بی‌وابستگی به هیچ قوم و مذهب و گروه خاص در جان فرهنگ مردم نشسته است. وجه مشترک همه گروه‌های قومی و اعتقادی است. همه اقوامی که به این سرزمین آمدند و همه جریان‌های اعتقادی که در اینجا رواج پیدا کردند، آن را پذیرفته‌اند، از آن مایه گرفته‌اند و بر آن اثر گذاشته‌اند. چنان جویبارهایی که در مسیر رودخانه به آن وارد می‌شوند و رودخانه همچنان در هویت خود جاری است. نوروز هم در جریان و استمرار بدون انقطاعش در پیچ و خم‌ها و فراز و نشیب‌های تاریخ، و در گستره وسیع

رسم‌هایی به همراه دارد، و این از جهانی‌های فرهنگ انسانی است. اما انطباق نظام سنجش زمان با این خصلت جهانی، یعنی انطباق جشن بهار با تقویم ملی و رسمی، ویژگی بارز جشن آغاز سال در کشورهای حوزه نوروز است. این خصوصیت برجسته و نمایان نوروز، آن را از همه جشن‌های نو سال متمایز می‌کند و موجب می‌شود که مردم نوروز را نه در تالارهای در بسته، که در آغوش طبیعت جشن بگیرند و سراغاز سال را با تجدید خاطره‌ای از پیوند دیرینه انسان و طبیعت همراه

تقسیم و تنظیم زمان از نیازهای بنیادی فرهنگ و تمدن انسانی است. تقویم‌های همه ملت‌های جهان برپایه این نیاز پدید آمدند و عناصر تکرار شونده در طبیعت مبنای سنجش و شمارش زمان قرار گرفتند؛ و زمان‌های مقدس نقطه‌های آغاز و تکرار شدند تا زندگی و جامعه انسانی به نظم کشیده شود.

در ایران و سرزمین‌های گسترده‌ای از مرزهای چین تا آسیای غربی که حوزه ایران بزرگ فرهنگی است و برای بیش از نیم میلیارد از مردم جهان، این زمان مقدس آغازین، نوروز است. که با نوزایی طبیعت نیز همزمانی دارد. گفتنی است در همه مناطقی از جهان که به سبب شرایط طبیعی و اقلیمی فصل‌های سال جلوه‌ها و مشخصه‌های آشکار و متمایزی دارند، تغییر فصل و به ویژه آغاز بهار و بیداری طبیعت آداب و

رواج آن یک واقعیت و هویت ثابت و مستمر فرهنگی است.

### پیشینه و ریشه‌های نوروز

در مورد پیشینه نوروز و ریشه‌های آن در سنت فرهنگی منطقه نخستین خبرها را از «سومر» داریم. جشن‌های آغاز سال سومریان با اسطوره ازدواج مقدس ایزدانوی سرزمین با خدای مظهر رویش گیاه، مربوط می‌شود. که به احتمال زیاد باید سومریان آن را از داخل فلات ایران یا خود برده باشند.

از اسطوره‌های سومری که پس از خوانده شدن لوح‌های یافته شده در محوطه‌های باستانی سومر رازشان گشوده شده است نیز چنین برمی‌آید که کوهستان غربی و شمال غربی سومر، یعنی کوه‌های زاگرس در حوزه لرستان، برای آنان جایگاهی مقدس بوده است. همچنین است در مورد ایلامیان.

تحلیل نقش و نگارهای روی اشیاء و آثار یافته شده، و اطلاعات به دست آمده در محوطه‌های باستانی داخل فلات ایران نیز از حوزه گسترده فرهنگ دوره ایلامی تا مناطق مرکزی و تا حدود سرزمین‌های شرقی ایرانی و روابط گسترده این مناطق با ایلام حکایت دارد. ساموئل هنری هوک در کتاب اساطیر خاورمیانه آورده است:

«به نظر می‌رسد سومری‌ها از مناطق کوهستانی شمال شرقی بین‌النهرین به منطقه دلتاکوچ کرده باشند. اساطیر سومری نشان می‌دهد که شرایط اقلیمی محل سکونت اولیه ایشان، با شرایط موطن جدیدشان بسیار تفاوت داشته است.»

و نیز می‌آورد:

«تموز و ایشتر (صورت‌های بابلی دو موزی و اینانای سومری) بارها زیر پیکره صنوبر تر و ماده تصویر می‌شوند. می‌دانیم در دلتای دجله - فرات، درخت صنوبر وجود ندارد، و این درخت، بومی ناحیه‌های کوهستانی است. این نواحی خاستگاه اصلی سومری‌ها بوده است. به علاوه به این واقعیت باید توجه داشت که زیگورات‌های عظیم، مشخصه معماری معبد‌های سومری است و عقیده بر این است که رو به همان جهت خاستگاه اصلی ساخته شده‌اند.»

ساموئل کریمر نیز در کتاب «الواح سومری» می‌نویسد:

«به نظر سومریان، خدایان بر فراز کوهستان زمین و آسمان، آنجا که خورشید می‌دمد، اقامت داشتند.» منابع یاد شده و مأخذ دیگر نیز مطالبی از این‌گونه را براساس اسناد و مدارک مطرح کرده‌اند که به رعایت اختصار از آنها در می‌گذریم.

علاوه بر نتایج مطالعات تطبیقی اسطوره‌ها، مطالعات مردم‌شناسی معاصر درباره آیین‌ها و مراسم نیز نشان می‌دهد که صورت نمایشی اسطوره کهن مرگ و باز زنده شدن خدای گیاهی در مناطق گوناگون ایران استمرار یافته است. از جمله، رسم‌های میرنوروزی، کوسه گردی، پیر بابو (گیلان) و مانند اینها. در صورتی که از این‌گونه رسم‌ها، در سرزمین‌های آن سوی میان رودان (بین‌النهرین) نشانه‌ای در دست نیست.

از حدود چهار هزار سال پیش، مهاجرت آریاییان، از سمت شمال فلات ایران، از سرزمین‌های سردسیری که «نه ماه زمستان و سه ماه تابستان بود» آغاز می‌شود، و با ساکنان داخل فلات ایران به بده و بستان فرهنگی می‌پردازند. کهن‌ترین سندی که از این مهاجرت تاریخی در دست داریم، کتاب اوستا است. اهورامزدا خطاب به جم (جمشید) می‌گوید:

ای جم هورچهر - پسر و یونگهان.  
این زمین پر شد و بر هم آمد از رمه‌ها و ستوران و مردمان و سگان و پرندگان و آتشان سرخ، و رمه‌ها و ستوران و مردمان بر این زمین جای نیابند.  
آنگاه جم به روشنی به سوی نیمروز به راه خورشید فراز رفت و چنین گفت:

ای سپندارمذ (= زمین) به مهربانی فراز رو، و بیش از فراخ شو، که رمه‌ها و ستوران و مردمان مرا برتابی. پس جم این زمین را که یک سوم از آنچه پیشتر بود فراخی بخشید...» [ویندیداد - داستان جم] این نقل اسطوره‌ای که برای ما حکم یک سند تاریخی را دارد، حکایت مهاجرت اقوام آریایی به داخل فلات ایران است. و از متن چنین بر می‌آید که جنگ و درگیری هم در کار نیست، کار کاری خدایی است که به خواست اهورامزدا و با نیایش خورشید، به فرمان جم انجام می‌گیرد.

جم بعدها در تاریخ افسانه‌ای و حماسی ایران، به جمشید پادشاه پیشدادی و بنیانگذار نوروز تبدیل می‌شود. اما در اوستا هیچ نام و نشانی از نوروز نیست. بنابراین این آریاییان مهاجر، در سرزمین جدید، که از زبان آنها «ایران» نام گرفت، با نوروز آشنا شدند.

پس از استقرار آریاییان، در سوی شمال شرقی ایران و حوزه خراسان بزرگ، اسطوره مرگ و رستاخیز خدای گیاهی، با سیمایی اسطوره‌ای - حماسی، در داستان سیاوش رخ می‌نماید، و آن هم با نوروز پیوند پیدا می‌کند.

«آتش پرستان بخارا هر سال به محلی می‌روند که احتمالاً سیاوش در آنجا کشته شده است. در آنجا

زاری می‌کنند و قربانی می‌کنند.» [تاریخ بخارا - نرشخی]

: «هر سالی هر مردی آنجا یکی خروس برد و بکشد، پیش از برآمدن آفتاب نوروز.» [تاریخ بخارا] ششمین روز نوروز، بنا بر نقل کتاب پهلوی «ماه فروردین روز خرداد» برابر است با روز کین خواهی سیاوش و مردم خوارزم روز ششم نخستین ماه سال را ابتدای سال قرار می‌دادند و تاریخ خود را با «تورد» سیاوش آغاز می‌کردند.

دکتر بهاربخش نخست داستان سیاوش را به این دلیل که در آن نشانی از اساطیر ودایی وجود ندارد، متعلق به دوره تمدن ایرانی ماوراءالنهر می‌داند و آن را با اعتقادات، اساطیر و آیین‌های سومری - سامی - مدیترانه‌ای مربوط می‌داند. [اساطیر ایران - مقدمه] اما با توجه به تحقیقات دیگر ایشان و با توجه به اسناد و مدارک یاد شده از دیگران که بن آیین‌های سومری را در فلات ایران دانسته‌اند، به نظر می‌رسد که بخش نخست داستان سیاوش و رسم آغاز سال سومری‌ها، نه اقتباس از یکدیگر بلکه برخاسته از یک اصل مشترک باشند.

از دیگر حوزه‌های فرهنگی داخل فلات ایران، که به اصطلاح به دوره پیش از تاریخ مربوط می‌شوند، در این زمینه اطلاع درخور توجهی در دست نیست؛ اما از دوره‌های پس از خاموشی این فرهنگ‌ها، از هخامنشیان خبر نوروز را داریم. ایجاد مجموعه بزرگ آیینی تخت جمشید حکایت از اهمیت نوروز و گسترش رواج آن در این دوره دارد.

از دوره‌های بعدی تاریخ ایران نیز تا زمان معاصر، در هر دوره اسناد و مدارک متعدد دال بر رواج نوروز وجود دارد، مجموعه این اسناد و مدارک بیانگر استمرار و پیوستگی رواج نوروز در دوره‌های مختلف تاریخی است.

### ارزش برجسته و شاخص نوروز

نوروز ارزش‌ها یا کارکردهای شاخص و برجسته متعددی دارد، که مشکل می‌توان یکی از آنها را بارزتر از دیگری به شمار آورد. با وجود این، یکی از عمده‌ترین نقش‌های نوروز ایجاد وحدت و تقویت همبستگی‌ها و یگانگی‌هاست. این ارزش ناشی از دو ویژگی عمده نوروز است.

یکی استمرار بدون انقطاع نوروز، طی چند هزار سال تاریخ آن. که به اختصار توضیح داده شد و در نتیجه این استمرار نوروز گسترده‌ترین و کهن‌ترین جشن و آیین مشترک همه سرزمین‌هایی شد که امروزه کشورهای ایران، افغانستان، پاکستان، بخشی از



وقتی کودکان تخم‌مرغ‌های رنگین عیدانه خود را با هم یکی می‌کنند و دوباره آن را میان خود تقسیم می‌کنند، رها کردن «من» خود را در «ما»ی جمع تمرین و تجربه می‌کنند.

#### (قروه)

وقتی در چهارشنبه سوری همه با هم در کوچه و میدان ده آتش می‌افروزند.

آماده ساختن خانه و تدارک لوازم عید است، و همراه با آدابی است که همه ملزم به رعایت آن هستند. رعایت این آداب نقشی پویا در انسجام خانواده دارد. برای حضور در کنار سفره عید و لحظه تحویل سال که هر دو از بار تقدس برخوردارند، باید پاکیزه بود، باید شست و شو کرد و آراسته، به ادب و به آیین باید بر کنار سفره عید نشست. آب و آیین، چراغ روشن، کتاب و شمایل مقدس و سبزه نورسته و سکوت در انتظار آغاز سال، فضایی رازآمیز و روحانی ایجاد می‌کند، که برای همیشه در خاطره کودکان تصویری ماندگار و آمیخته با شادی و محبت است، و بزرگترها را به فراموش کردن دل‌آزردگی‌ها می‌خواند. سپس کلام مبارک باد و شیرینی سفره عید، همه را شیرین کام می‌کند و راهی دید و بازدیدهای نوروزی.

نقش وفاقی تحویل سال، در نقاطی که مکان زیارتگاهی و مقدسی داشته باشند، از محدوده فضای خانواده فراتر می‌رود. مردم در مکان مقدس گرد می‌آیند و نوروز را با هم آغاز می‌کنند. چنانکه در بارگاه امام رضا (ع) در مشهد، حرم حضرت معصومه (س) در قم، و شاه‌چراغ (ع) در شیراز و صحن و سرای امامزادگان و قدمگاه‌ها در شهر و روستاهای دیگر و در کنار علم مقدس که از نوروز تا چهل روز با نام شاه‌مردان بر مزار پاک در افغانستان برافراشته می‌شود.

همچنین است در سایر رسم‌ها و مراسم نوروزی در نقاط گوناگون، وقتی در خانه خانواده سوگوار، خویشتانندان و همسایگان سفره نوروزی می‌گسترند، شمع و چراغ می‌افروزند، خنای بر دست‌های سوگواران می‌گذارند و مبارکباد می‌گویند؛ اشک‌های اندوه و شوق در هم می‌شوند و شادی و یگانگی زیبا و دلنشینی جایگزین اندوه تنهایی آنها می‌شود. وقتی آنها را با خود همراه می‌کنند تا با یکدیگر به عید مبارکی اهل محله و آبادی بروند، به راستی غم و اندوه، با همه معنای آن جایش را به کیفیت می‌دهد که آنان خود را جزئی از جمع و فارغ از غم و اندوه نوروز بی‌عزیز از دست رفته احساس می‌کنند. تنهایی و غم آن‌ها در شادی جمع، جمعی که در اندوه آنها نیز اندوهگین و همراه بوده‌اند، گم می‌شود.

#### (تالش)

وقتی دختر پا به بخت برای «گلاب زنی» همراه با دختران هم‌سن و سال خود صبح نوروز به عیدی پدر و مادر نامزدش می‌رود، بر اهل خانه گلاب می‌پاشد، عید مبارکی می‌گوید و عیدانه می‌گیرد، بذر صمیمیت و یگانگی در دل‌ها می‌افشاند و شالوده خانواده آینده‌اش را استحکام می‌بخشد.

#### (گیلان)

وقتی جوانان روستا هم‌گروه برای گردآوردن بوته‌ها به تپه‌های اطراف ده می‌روند تا تدارک آفرودختن آتش شب نوروز را ببینند، همکاری و همیاری را تجربه و تمرین می‌کنند.

#### (کرمانشاه، گوران)

هندوستان، کشورهای آسیای میانه و قفقاز، مناطق کردنشین ترکیه، عراق و سوریه را در بر می‌گیرد و همچنین است در مورد مردمان بسیار دیگری، در سایر نقاط جهان که ریشه و پیشینه مشترکی با حوزه جغرافیایی نوروز دارند.

استمرار ناگسسته و چند هزار ساله نوروز در پهنه وسیع سرزمین‌های یادشده تعلق همگانی مردمان این مناطق را به نوروز سبب گردیده و آن را به نقطه اشتراک گروه‌های قومی و اعتقادی گوناگون تبدیل کرده است. امروزه این نقطه اشتراک در محدوده کشور ایران، یک عامل مهم تحکیم وحدت ملی و در گستره سرزمین‌های حوزه نوروز، عامل همبستگی منطقه‌ای است.

ویژگی دوم که ارزش وفاقی نوروز را موجب می‌شود، خصلت وحدت‌آفرینی یک یک رسم‌های آن است.

#### خصلت و کارکرد وحدت‌آفرینی رسم‌های نوروزی

یکی از کارکردهای عمده آیین‌ها، ایجاد وفاق و همبستگی در سطوح مختلف از خانواده تا روستا و محله و شهر و کشور و تا حوزه‌های فرهنگی و جغرافیایی فراتر از آن است. نوروز از جمله آیین‌هایی است که در اجزا و در کلیت خود دارای کارکرد نیروی وفاقی است و این خصلت را در همه سطوح یاد شده داراست.

باورها و رفتارهای آیینی در سنت‌های نوروزی معمول در گوشه و کنار سرزمین‌های پهناور حوزه نوروز، همه سرشار از عناصری است که مهرآفرین و آشتی‌سازند، و نوروز در کلیت خود پرچم بلند وحدت و همبستگی است که در سرآغاز هر سال و هر بهار، بر بلندای روابط دیرین سال مردمان این سرزمین‌ها برافراشته می‌شوند.

بینیم خصلت وفاقی و وحدت‌آفرینی را با چه مشخصه‌هایی در رسم‌های نوروزی جستجو کنیم؟ پاسخ را در نگاه به خود نوروز و توصیف رسم‌های آن می‌جویم.

از زبان شاه‌عباس صفوی نقل کرده‌اند که گفته بود در سال فقط یک شب با خیال راحت «پلو» می‌خورم و آن شب نوروز است که می‌دانم همه مردم کشور همین غذا را می‌خورند. صرف‌نظر از درستی یا نادرستی این نقل، آنچه مهم است پادشاه مقتدری مثل شاه‌عباس برای این که خود را به مردم نزدیک کند، به این خصوصیت نوروز تکیه می‌کند؛ و حاکی از این واقعیت است که در شب نوروز در همه خانه‌ها در حد توان اجاق‌ها هم مثل چراغ‌ها روشن است و دل‌ها هم با گرد آمدن افراد خانواده، از گرمای محبت و با هم بودن، شاد.

خانواده، نخستین هسته اجتماعی است که در شمول کارکرد وفاقی نوروز قرار می‌گیرد. در نوروز همه مردم هر جا باشند به خانه و کاشانه خویش باز می‌گردند تا در ساعت تحویل سال و صبح نوروز در جمع خانواده و کنار سفره عید باشند. این حضور جمعی خانواده، در پی فعالیت یک ماهه استقبال از نوروز و تمیز کردن و





#### (همه جای ایران)

وقتی در چهارشنبه سوری و شب نوروز آب و شربت چهل یاسین درست می‌کنند و همه اهل محله از آن شربت می‌نوشند و به خانه می‌برند، گویی همه مردم از جام وحدت می‌نوشند.

#### (مناطق آذربایجان، کاشان و نقاط دیگر)

وقتی در روز سیزده همه غذاهای خود را یکجا بر

سر یک سفره می‌گذارند و همسفره می‌شوند.

#### (همه جای ایران)

وقتی کودک، جوان و پیر، زن و مرد فارغ از سن و سال با هم در بازی‌های نوروزی همبازی می‌شوند.

#### (همه جای ایران)

و در موارد بسیار از این‌گونه، پیوندهای یگانگی و همبستگی و هماهنگی و هم‌رایی را به نمایش می‌گذارند.

وقتی اهل محله و آبادی، در همه جای ایران، همگروه و خانه به خانه به عید دیدنی می‌روند و کندورت‌ها را به میانجی‌گری ریش سفیدان به آشتی بدل می‌کنند، گل‌های شادی، محبت و همدلی می‌شکوفد و همه خود را جزوی از یک خانواده بزرگ احساس می‌کنند.

آنچه آمد، مشتی از خروار بود و در حد گنجایش این نوشتار، توصیف و توضیح همه نمونه‌های این رسم مجالی بیشتر را می‌طلبد.

جان کلام این که اشتراک در مبانی اعتقادی و به تبع آن آیین‌ها و رسم‌هایی که بر بنیاد این مبانی پدید می‌آیند محکم‌ترین پیوندها را میان گروه‌های انسانی پدید می‌آورند. این مشترکات هرچه کهن‌تر و ریشه‌دارتر باشد و به ویژه اگر از پیوستگی تاریخی برخوردار باشند در وفای و همبستگی میان گروه‌های انسانی نقش‌مندتر خواهد بود.

نوروز با توجه به تعلق مشترک به همه گروه‌های قومی و اعتقادی و عدم وابستگی به هیچ گروه خاصی و با داشتن همه این ویژگی‌ها و باتوجه به ماهیت وحدت‌آفرین اجزاء آن در شمار مهم‌ترین عوامل نزدیکی و پیوند مردمان سراسر پهنه ایران فرهنگی است، نقشی که هنوز در نظام روابط سنتی زنده و پویا است. کنش متقابل همه ویژگی‌های و عناصر یاد شده، رازماندگاری و رمز گسترش نوروز است.

#### نقش نوروز در تقویت هویت فرهنگی

بنابر آنچه که آورده شد، نوروز در رابطه با هویت فرهنگی چشم‌انداز وسیع‌تری از هویت‌های قومی، مذهبی، زبانی و غیره را در بر می‌گیرد؛ ضمن این که بر همه این عناصر تشکیل‌دهنده هویت فرهنگی نیز شمول دارد.

نوروز به این لحاظ با همه جشن‌ها و عیدهای آغاز سال تفاوت بنیادی دارد. جشن‌های دیگر، اگرچه هرکدام پوشش گسترده در سطح کشورهای مختلف دارند، اما محور اصلی آنها یکی از عناصر زیر مجموعه فرهنگ است. از این نظر نوروز جشن جهانی منحصر به فرد است و همین ویژگی از عوامل مؤثر در استمرار و گسترش نوروز در طی تاریخ بوده است.

پویایی نوروز به عنوان یک سنت فرهنگی زنده جانمایه بیشترین رسم‌های نوروزی که قبل از تحویل سال (روز اول فروردین) انجام می‌شود، نوساختن، نوپوشیدن و پاکیزه گردانی خانه‌هاست. برای نظافت خانه، اصطلاح خانه‌تکانی به کار برده می‌شود که مفهومی سنجیده‌دارد، در واقع خانه‌تکانی نوروز

چیزی فراتر از نظافت معمولی و حتی نظافت کامل خانه است. زنان معتقد به سنت‌های نوروز هرچه را که در خانه دارند و همه گوشه و کنار خانه را باید برای نوروز نظافت کنند. هر اندازه کم درآمد باشند دست کم یک تکه هم شده لباس نو، به‌خصوص برای کودکان تهیه می‌کنند. سفره غذای شب و روز نوروز و در حد امکان سایر شب و روزهای نوروزی، نیز باید رنگین باشد.

و بسیار موارد دیگر که تدارک مقدمات همه و همه موجب رونق کار پیشه‌وران و بازاریان، و گردش چرخ اقتصاد جامعه است بازارهای نوروزی همیشه گرم و پرتیش است. آداب، باورها و اعتقادات رسم‌هایی که در مورد نو ساختن زندگی به آنها اشاره شد، همیشه و همیشه، رونق بازار تولید و بده و بستان بازار را در پی داشته است، و دارد، از عوامل عمده در پویایی جشن نوروز است.

#### مهارت‌ها و سنت‌ها

بسیاری از آنچه که به مناسبت و برای نوروز ساخته و تولید می‌شود، و بسیاری از آداب و رفتارهایی که در مجموعه رسم‌های نوروزی سنت شده است، آگاهی‌ها و تجربه‌هایی را به پشتوانه دارد. انتقال این مهارت‌ها و تجربه‌ها، در چارچوب الگوها و سنت‌های نوروزی به نسل نو خصوصیتی است که در بستر سنت شفاهی انجام می‌گیرد و مفهومی فراتر از ساختن چیزی و انجام کاری را دارد؛ الگوی فرهنگی است، نماد و نشانه‌ای است که بار فرهنگی را بر دوش می‌کشد.

این خصوصیت نوروز در سایه تولیدات کلان و در نتیجه دست‌اندازی‌های بازار، به همه ابعاد وظایف خانواده، نسبت به گذشته کمرنگ‌تر شده است، اما هنوز زنده است و استمرار دارد.

از این‌گونه است، ساختن وسایل بازی و بازیچه‌هایی هم چون کمان و شمشیر چوبین، پیکرک‌های سفالین و گلین که تا چند سال پیش در بسیاری از نقاط ایران معمول بوده و هنوز هم کم و بیش دیده می‌شود. این‌گونه اشیاء شادی کودکانه بچه‌ها را بر صفحه ذهنشان برای همیشه با یاد نوروز نقش می‌اندازد، و به عبارت دیگر یکی از ابعاد استمرار سنت‌های نوروزی است.

همچنین است رسم‌ها و سنت‌های خاص نوروزی مثل پختن انواع شیرینی‌های نوروزی و از جمله سمنو که از اجزای سفره هفت‌سین است و پختنی‌ای آیینی است که ریشه‌ها و زمینه‌های کهن دارد. سمنو پختن مهارت و تجربه و آگاهی نیاز دارد و مراسم سمنوپزان عرصه‌ای است برای انتقال این مهارت‌ها و تجربه‌ها.

همچنین است در مورد سبز کردن سبزه نوروزی و آرایش سفره ساعت تحویل سال و موارد دیگر، که آداب و ریزه کاری‌های آن، هریک مبتنی بر تجربیاتی است و عمدتاً زنان میراث‌دار، نگهدارنده و انتقال‌دهنده آن هستند.